بسم الله الرحمن الرحیم

بنیاد خراسان روضوی از سال 85 آغاز به فعالیت کرده – تا به حال حدود 16 دوره تربیت مربی داشته است هم خواهران و هم برادران – چندین دوره مقدماتی در مساد بوده – دانشگاه ها و عموم مردم – سالانه حدود 25 میلیون زائر وارد مشهد میشه لذا یک نگاه ویژه به این بحث داریم در هتل ها، اردوها و ...

(صحبت های مدیر عامل بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج الله تعالی فرجه الشریف در سال 95) :

با نبود امکانات ولی با بود دغدغه و انگیزه

فلسفه تشکیل بنیاد : رسالت و هدف تشکیل بنیاد :

سال 79 یعنی تقریبا 16 سال پیش حاج آقای قرائتی میرن خدمت مقام معظم رهبری و مطالبی رو بیان می کنند راجع به وضع مهدویت کشور، مهمترین اونها دو مساله بود :

1- بحث مهدویت قبل از انقلاب به صورت کشوری و تشکیلاتی، متولی اش انجمن حجتیه بود، انجمن حجتیه بحث مهدویت رو در کشور به نحوی مدیریت می کرد، حتما دوستان اطلاع دارند که مرحوم آقای حلبی با توجه به اینکه خودش یک روحانی بود اما مجموعه انجمن حجتیه در سطح کشور توسط روحانیون اداره نمی شد بلکه عموم مبلغان انجمن حجتیه، افراد تحصیل کرده ای بودند یا از آموزش پرورش و یا دکتر و مهندس. خب اینها رو به صورت منظم آموزش می دادند ابتدا هم با عنوان انجمن ضد بهائیت فعالیت داشت. البته خب در کنار انجمن ضد بهائیت تبلیغ مهدویت هم بود اون هم نوع تفکر خاصی از مهدویت که با نظام شاهنشاهی تعارضی نداشته باشه و لذا نظام قبل از انقلاب هیچ کجا با انجمن حجتیه برخوردی نداشته، با اینکه انجمن در سطح کشور تشکیلات داشت و ساواک هر کار تشکیلاتی ای که در راش یک روحانی بود تعطیل کرده بود چون احساس خطر می کرد اما انجمن حجتیه انجمنی بود که قبل از انقلاب فعالیت داشت تشکیلاتش هم کاملا برای ساواک مشخص بود و می دونست در هر استانی چه آدم هایی مسئول هستند و سر سلسله ی این مجموعه – آقای حلبی – رو هم می شناخت اما هیچ وقت ساواک با آقای حلبی مبارزه نکرد – آقای حلبی زندان نرفت، دستگیر نشد – به تعبیری تحت محاکمه قرار نگرفت! به دلیل اینکه اون تفکری که ایشون از مهدویت در سطح کشور مطرح می کرد تفکری نبود که شاه ازش احساس خطر و ترس کنه، اتفاقا می تونست برای شاه یک پوئن مثبتی باشه که اگر افراد مذهبی رو هم دستگیر بکنه بگه خب شما هم مثل آقای حلبی بیایید کار دینی بکنید، چه کار دارید به شاه؟ کار دینی خودتونو بکنید... او داره کار میکنه نه اونها به ما کار دارند نه ما به اونها کار داریم... ایجور می تونستند افراد مذهبی رو زیر سئوال ببرد که شما چه کار به رژیم شاه داری؟ آقای حلبی داره کار می کنه کار مذهبی هم میکنه اتفاقا بحث مهدویت هم داره...

به هر حال اون تفکر و اون نگاه بعد از انقلاب نتونست همراهی بکنه با امام و انقلاب امام و انقلابیون! هم اونها یواش یواش خودشونو کنار کشیدند و هم امام به شکل های مختلف مستقیم و غیر مستقیم، صریح و غیر صریح اون تفکر رو کنار زد و عملا انجمن حجتیه با انقلاب زاویه پیدا کرد... آقای قرائتی به حضرت آقا می فرمودند که بالاخره کار مهدویت رو انجمن حجتیه به صورت تشکیلاتی انجام می داد که البته کنارش گذاشتیم ولی متاسفانه جایگزینی برای این کار تشکیلاتی در سطح کشور بعد از انقلاب ایجاد نشد، هیچ کسی نیومد زیر این پرچم قرار بگیره و کار تشکیلاتی در حوزه مهدویت انجام بده، تشکیلاتی که بتونه این بحث رو به نحو متمرکز مدیریت بکنه و تبلیغ بکنه.

2- نکته دوم اینکه اگر یادتون باشه در اون سالها افراد مدعی ملاقات با حضرت، مدعی ارتباط با حضرت... به شکل های مختلف در حال گسترش بودند هر روز تو یه استانی یه آقایی یه خانمی یه روحانی ای یه غیر روحانی ای یه خانم جلسه ای ای به شکل های مختلف مدعی می شدند ما با امام زمان ارتباط داریم که حضرت اینو فرمودند اینگونه فرمودند گفته اند چنین بکنید و چنان کنید... یه دکونهایی درست کرده بودند و روز به روز در حال گسترش بود، اون تفکر نادرستی که ناشی از ادعای نا به جای ملاقات با حضرت.

خب این دو تا در حقیقت بحث مهدویت رو به چالش کشیده بود : 1- در سطح کشور این بحث متولی نداشت! بله برخی مکان هایی به عنوان دعای ندبه به عنوان برگزاری جشن های نیمه شعبان به عنوان موسساتی که کار مهدوی می کنند، جاهایی وجود داشته و دارند اما این بحث به صورت کشوری مدیریت نمی شد و از اون طرف اون خطر انحراف در فکر و در عمل که متاسفانه در حال گسترش بود.

حاج آقای قرائتی می فرمایند نظام جمهوری اسلامی نمی تونه در مقابل این دو مشکلی که بعد از انقلاب ایجاد شده : یکی کنار گذاشته شدن انجمن حجتیه و خلأ و دوم مدعیان ملاقات و ارتباط، ساکت بنشینه به دلیل اینکه اصولا مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران، و مشروعیت ولایت فقیه از مهدویته، ولایت فقیه که ولایت بالاصاله نیست، ولایت بالنیابه هستش؛ یعنی اگر فقیه ولایت داره به نیابت از امام زمان، ولایت داره اما خودش که اصالتا ولایت نداره که. خب اگر اون ولایت اصلی ای که ولایت امام زمان است به هر جهتی دچار خدشه بشه، مشروعیت نظام جمهوری اسلامی هم زیر سئوال میره. یعنی اگه ما می گیم ولی فقیه، مراد ما از ولی فقیه یعنی نائب عام امام زمان، اگه بحث مهدویت دچار مشکل بشه بحث ولایت فقیه هم دچار مشکل میشه.

کسانی که سن و سالشون یه خورده بیشتر است یادشون هست، اوائل انقلاب روی پلاکاردها و سخنرانی ها همیشه اینگونه گفته می شد نائب الامام الامام خمینی، یعنی همیشه قبل از کلمه امام خمینی، نائب الامام به کار برده می شد، چرا؟ به خاطر اینکه امام خمینی مشروعیتش به خاطر این بود که نائب امام زمانه.

خب اقای قرائتی می فرمایند بالاخره شما هم به عنوان ولی فقیه، مشروعیت تون به خاطر امام زمانه و اگه خدایی نکرده امام حی و حاضر ما ولایتش و خودش دچار خدشه بشه به دلیل افکار انحرافی، به دلیل برداشت های نادرست، اصل نظام جمهوری هم زیر سئوال میره! فردا میگن ببخشید شما مشروعیتت رو از کجا گرفتی؟ از اونجا گرفتید که خود اون زیر سئواله! مقام معظم رهبری به ایشون می فرمایند که مطلب درستیه، ما ازش غافل بودیم و باید بهش توجه بشه و شما خودت مسئولیت این کار رو به عهده بگیر و یه مجموعه ای رو کنار خودت جمع بکن و به بحث مهدویت در کشور سامان بده.

این میشه نقطه ی آغاز تشکیل بنیاد فرهنگی حضرت مهدی در سال 79

حاج آقای قرائتی هم میان یه تعدادی رو دور خودشون جمع می کنند، کسانی مثل مرحوم ابوترابی که یکی دو سال بعد از دنیا رفت (گمونم سال 81 یا 82 بود که ایشون از دنیا رفت) در اون سانحه ی تصادفی که زائر مشهد بودند به سمت مشهد... مرحوم آقای ایرانی (که یکی دو سال پیش از دنیا رفتند) ایشون با اینکه روحانی بود از اون روحانیونی بود که سالها در جبهه و جنگ حضور داشت و به خاطر همین فرمانده ی سپاه قم بود ایشون، با اینکه روحانی بود اما به خاطر مبارزاتش اینگونه بود... جناب آقای دکتر شیبانی که الحمدالله هنوز سایه شون بر سر ما هست (1395) و افرادی امثال ایشون جناب آقای رحیمیان که الان تولیت جمکران رو به عهده دارند، آقای دکتر مظفر که یه دوره ای وزیر آموزش و پرورش بودند و برادر سه شهید هستند و الان هم جزو مجمع تشخیص مصلح نظام هستند و افرادی که از نظر آقای قرائتی افراد انقلابی، سالم، مخلص و بدون مساله بودند. اینگونه افراد رو حاج آقا جمع کردند و ازشون خواستند که به هر حال اونجوری که مقام معظم رهبری خواستند برای تشکیل یه مجموعه مهدوی... البته بعدها برخی افراد دیگه هم به هیات امنای بنیاد اضافه شدند ولی اینی که خدمت تون عرض شد هسته ی اولیه ی هیات امنا بود.

خب مسئولیت کار رو هم جناب دکتر شیبانی قبول کردند همون سال 79 مدیر عامل بنیاد شدند و تا نیمه های اسفند سال 94 هم مدیریت کلان بنیاد رو ایشون به عهده داشتند (حدود 16 سال) ایشون هم یه فرد بسیار خالص و مخلص و سالم و از کسانی که قبل از انقلاب اگر اشتباه نکنم 12 – 13 سال زندان بوده، با اینکه پزشک بوده ولی به دلیل مبارزاتش زندان طولانی ای رو تجربه کرده، یه دوره ای با جبهه ملی و نهضت آزادی بوده یه دوره با مجموعه های مذهبی بوده، به هر حال جزو انقلابیون با سابقه است... ایشون جزو افراد شاخصی است که بیش از ده سال زندان های قبل از انقلاب رو طعمش رو چشیده، بعد از انقلاب هم جزو سالم ترین و پاک ترین افرادی بوده که در نظام، کار کرده، چه در دولت کار کرده چه در مجلس سالها بوده، چه مسئولیت های مختلفی که داشته...

ایشون یه بار خودش برای من می گفت که من یه دوره ای در مجلس که بودم (ایشون چند دوره در مجلس بوده) حقوقی که به ما می دادند آخر هر ماه، هر ماه من مازادش رو که دیگه زندگیم تامین شده بود، هر چی می موند از حقوقم رو می رفتم دفتر آقا و خدمت آقا می دادم و می گفتم آقا این حقوقی که به ما دادند فرض بکنید 500 هزار تومان که به ما دادند 200 هزار تومنش رو من خرج کرده ام برای خانواده ام و زندگیم و این 300 هزار تومنش باقی مونده، خدمتش شما میدم، یعنی یه همچین آدم خالص و مخلصی، ایشون تا جایی که ما اطلاع داریم هنوز خودش خونه نداره و خونه پدر خانمش میشینه، آدم بسیار خالص و مخلص و پاکی هست و زندگیش رو برای انقلاب و نظام گذاشته و از انقلاب و نظام هیچی نگرفت، یعنی واقعا هیچی نگرفت.

خب ایشون 15 سال مسئولیت بنیاد رو به عهده داشتند، من توفیق داشتم سال 79 تا نیمه های 81 تقریبا 2 سالی قائم مقام ایشون بودم در بنیاد و هر روز خدمت شون بودیم و کارهای اولیه ای که باید در بنیاد اتفاق می افتاد برای راه انذاری بنیاد ... خب اواخر سال گذشته ایشون نامه ای رو برای حاج آقای قرائتی نوشتند و به خاطر کهولت سن و مشغله ای که ایشون تو شورای شهر تهران دارند استعفا دادند و اعضای هیات امنا هم این مسئولیت رو به دوش بنده گذاشتند. خب این شد فلسفه تشکیل بنیاد.

پس به تعبیری بنیاد آمده است تا بتواند بحث مهدویت رو در کشور از دو زاویه بهش نگاه کنه و بپردازه :

1- از زاویه ی معرفتی؛ که شناخت درست امام زمان علیه السلام برای مردم مسلمان (شیعه و سنی ...) بحث معرفت افزایی در بحث مهدویت که این اولین وظیفه بنیاد فرهنگی حضرت مهدی است که این معرفت افزایی باید به نحو درست برای عموم اقشار جامعه چه عوام مردم چه گروه های فرهنگی، فرهیخته، دانشکاهیان، حوزویان...

2- رسالت دوم بنیاد هم با توجه به نکته ای که عرض کردم اینه که ما باید نگاهی رو و چشم اندازی رو از مهدویت مطرح بکنیم که موجب تقریت نظام جمهوری باشه، موجب تقویت ولایت فقیه باشه... در واقع ما باید جایگاه و پایگاه ولایت فقیه و بحث مهدویت رو به گونه ای مطرح کنیم و تشکیل بدهیم که هر کسی که مهدویت رو پذیرفت به راحتی بتواند ولی فیه را به عنوان ولی خودش و فردی که در حقیقت اطاعتش رو لازم میدونه بپذیره. مشروعیت نظام اسلامی که در اتباط با بحث مهدویت هم هست این باید به نحو درست تبیین بشه تا موجب تقویت پشتوانه نظام جمهوری اسلامی ایران که ولایت فقیه هست باشه.

بنیاد در طول این 16 سال، کارهای زیادی بحمدلله انجام داده، در همه ی این 15 – 16 سال جزو هیات مدیره بودم و طبیعتا از همه ی مراحل کارهای بنیاد در اطلاع هستم، خب یه فراز و فرودهایی داشته بنیاد در زمان های مختلف، گاهی وقتا تندتر گاهی کندتر کارهایی انجام شده...

اما همون سالهای اول یعنی سال 79 – 80 هیات امنای بنیاد سه تا تصمیم بزرگ گرفت و سه تا مصوبه بزرگ داشت که الحمدلله اون سه تا مصوبه الان محقق شده و اگر امروز بنیاد در سطح کشور دستش پره برای کار مهدوی به خاطر اون سه تا تصمیمی است که در همون ابتدا گرفتند :

1- تصمیم اول این بود : تاسیس مرکز تخصصی مهدویت در قم

به دلیل اینکه بحث مهدویت بحث کاملا تخصصی و کارشناسی است و ما روحانیون اون چیزی که به طور عادی در حوزه ها می خونیم نمیتونه پاسخگوی آنچه باشه که مورد نیاز است. لذا تربیت نیروی متخصص در بحث مهدویت اولین تصمیم هیات امنای بنیاد بود که منجر شد به اینکه حاج آقای قرائتی رفتند قم و با جناب آقای بوشهری که اون زمان مدیر حوزه بودند صحبت کردند و به هر حال مرکز تخصصی مهدویت در قم راه اندازی شد.

حاج آقای پور سید آقایی زحمت کشیدند تو دو سه سال اول، مدیریت اون مجموعه رو به عهده گرفتند، حاج آقای کلباسی که هنوز هم مدیریت اون مجموعه رو به عهده دارند و دوره های دو ساله ای تنظیم شد که الان الحمدلله رسمی محسوب میشه، نتیجه این شد که فارق التحصیلان اون مرکز تخصصی که امروزه صدها نفر هستند بتوانند اون نیاز کارشناسی برای بحث مهدویت رو تا حدودی – نمی گیم کاملا – تا حدودی بر طرف بکنند و امروزه اگر حاج آقای موسوی نسب در اینجا این کار رو بر عهده دارند بخشی اش ناشی از اینه که ایشون از فارق التحصیلان اون مرکز هستند و وقتی قرار شده در استان خراسان بنیاد دفتری بزنه طبیعتا از فارق التحصیلان مجموعه ی خودش استفاده کرده که بتونه...

خب این تصمیم، تصمیم بسیار مبارکی بود، تربیت نیروی متخصص کارشناس حوزوی که بتواند این بحث معرفت افزایی رو که اولین و مهمترین کار بنیاد هست با نیروی متخصص انجام بده.

2- تصمیم دوم هیات امنا : تاسیس انتشارات بنیاد بود.

تا اون زمان کتابهایی که در رابطه با بحث مهدویت نوشته می شد عموما – نمیگم همه شون – عموما یا کتابهای تخصصی حوزوی بود که فقط به درد روحانیون می خورد مثل منتخب الاثر حضرت آیت الله صافی ... که خب کتابهای سطح بالای حوزوی است و یا کتابهای عامه پسندی که عموما خواب و ملاقات و این گونه مطالبی که یا انحرافی بود یا در سطح پایین بود که کسانی مثل مرحوم آقای ابطحی یا امثالهم می نوشتند... دیگرانی هم که بودند خیلی از کتابها در همین سطح بودند... کتابها در سطحی نبود که بشه داد به استاد دانشگاه، یا فرهنگی یا دانشجو یا حوزوی که اون کتاب، مستند و مستدل و قابل ارائه باشه کمتر بود. بله، کتابهایی همچون دادگستر جهان و یا خورشید مغرب آقای حکیمی هم بود که اینها یا قطور بودند یا با قلم خاص خودشون بودند که بالاخره کتابهایی نبود که بشه در این راستا در فضای جامعه ازشون استفاده و بهره ی مناسبی رو برد و در اختیار همه ی مردم قرار داده بشه لذا قرار شد که بنیاد انتشارات تاسیس کنه و کارش در این انتشارات، انتشار کتب مهدوی مناسب با معارف صحیح و متقن برای عموم اقشار مردم جامعه باشه که خب الحمدلله این کار در همون سال 80 اتفاق افتاد و تا الان حدود 250 عنوان کتاب این انتشارات کتاب منتشر کرده که تقریبا میتونه تمام اقشار جامعه رو پوشش بده، البته هنوز خلا و نیاز هست و نقائصی هست... اما خب یه حرکت خوبی شد...

3- تصمیم سومی که هیات امنای بنیاد گرفت : و سال 82 شاید این تصمیم گرفته شد و سال 83 شاید کلنگش زده شد بنای مجتمع فرهنگی آموزشی یاوران مهدی کنار مسجد جمکران بود.

خب اون زمان اردوهای قم و جمکران راه افتاده بود. خیلی دانش آموزان از سطح کشور می اومدند قم به عنوان اردوی زیارتی ... اما هیچ جایی نبودش که این افراد اسکان داده بشن استراحت بکنن یا حتی یه کسی نیم ساعت برای اینها صحبت بکنه که به هر حال معرفتی پیدا بکنند به بحث زیارت به بحث جمکران... بنیاد در اون موقع که هیچ بنایی اینچنینی تقریبا اون زمان نبود چنین تصمیمی رو گرفت – البته الان مجموعه هایی در حال ساخت هست یا ساخته شده – اون زمان اما همه اش بیابون بود سال 82، یه مجموعه ای ساخته بشه که بتواند این نیاز رو براآورده بکنه.

خب حاج آقای قرائتی خودشون اومدند قم و با کسانی که مالک زمین های اطراف جمکران بودند چند نفرشون صحبت کردند که یک نفرشون که فرد همراه تری بود ایشون قرار شد که با یه قیمت پایین تری که مالک زمینی بود بخشیش رو برای مهدویت قرار بده که این اتفاق هم افتاد.

البته تامین اون مبلغ و هزینه هم یه بحث خیلی جالبی است زیرا بنیاد پول نداشت. آقای مظفر هم روزهای آخر مسئولیتش بود (ظاهرا) داشت وزارتش رو تحویل می داد، می دونید وزرا یه بودجه ای دارند به نام "خارج از شمول" که فقط در اختیار وزیر است و بالاترین مقام منسوب به مجموعه، حاج آقا به آقای مظفر زنگ زدند که شما روز آخره یا فردا می خوای وزارتت رو تحویل بدی ما هم همچین جایی میخوایم بریم کنار جمکران زمین بخریم که بیشترین استفاده ی این مجموعه هم فرهنگی ها هستند یا دانش آموزا هستند یا بالاخره فرهنگی هایند و به هر حال شما اگه از آموزش و پرورش مجاز باشی یه پولی هم بیاری ما یه زمین بخریم قاعدتا قالب استفاده اش مال فرهنگی ها هستند اگر می تونی شما این کار رو بکن و خدا حفظش کنه آقای مظفر فکر می کنم یه رقم یا 50 میلیون بود یا 100 میلیون که گفت بله من از پول های خارج از شمول که در اختیارم بوده در دوره وزارتم خرج نکردم و فردا باید همه ی اینها رو تحویل بدم و اختیارش هم با منه... و اون روز آخری که ایشون می خواست وزارتش رو تحویل بده اون مبلغ رو آورد بنیاد و فکر می کنم 5000 متر زمین ما اون زمان کنار مسجد جمکران خریدیم که البتی اون 5000 متر کافی نبود، دوباره یه 5000 متر و بعدش 10000 متر و مجموعا 20000 هزار متر زمین شد که الان زمین مجتمعه فرهنگی آموزشی یاوران مهدی 20 هزار متره...

حضرت آیت الله مکارم شیرازی رو دعوت کردند اومدند کلنگ زدند بازاری ها رو دعوت کردیم اومدند برای اینکه کمک بکنن به ساختش اما عجیب بود اینهای که کلنگ زدند غالبا دست به خیر داشتند اما بعد از دعوت اینها هم حدود 6 ماهی یک سالی هیچ اتفاقی نیفتاد یعنی هیچ کسی نیومد کار رو شروع بکنه و تقبل بکنه این بار رو، تا اینکه ما نقشه هاش رو آماده کردیم کارهاش رو انجام دادیم اما پولی برای ساختش نبود! همین آقای دکتر شیبانی که عرض کردم خدمت تون که هنوز برای خودش خونه نداره و به مفهوم واقعی هیچی نداره در این دنیا، ایشون مدیر عامل بنیاد بودند اون زمان ، گفتند به شرطی که هیچ کسی در کار من دخالت نکنه من اینجتا رو می سازم. هیات امنا گفتند ما کاری نداریم شما برو بساز. گفت نه، خودم صفر تا صدش رو انجام بدم و کسی هم هیچ خالتی نکنه. گفتند باشه. کسی هم فکر نمی کرد که آقای دکتر بتونه این کار رو انجام بده، که خب یه پروژه ی حدود 15 هزار متر مربع زیر بنا – 3 طبقه هر طبقه حدود 5000 متر زیر بنا – ساختمون ساده ای نیستش و مشابه اون ساختمون هم در قم نیستش جایی که بتونه حدودا 800 نفر رو اسکان بده همزمان، و تغذیه بده و سالن برای جلساتشون داشته باشه توی قم هنوز هم همچین ساختمونی نداریم. با این همه امکاناتی که در قم هست مشابهش نیست در قم. آقای دکتر تقبل کرد و نقشه ی آماده شده رو گرفتند و خودشون یه تیمی گذاشتند و شروع کردند به ساخت فکر می کنم حدودا 2 سال تا 3 سال بیشتر نکشید اون مجموعه ساخته شد در حالی که اگر اون مجموعه رو هر نهادی یا وزارت خونه ی دولتی می خواست بسازه کمتر از 10 سال نمی زدند در هر حال اون اونجا ساخت اون بنا رو در حالی که بدون اینکه به ریالی از بنیاد پول بگیره، چون بنیاد هم پولی نداشت و جالب اینکه هنوز هم هیچکسی نمی دونه آقای دکتر شیبانی پول این رو از کجا تامین کرد و هر چی هم تو جلسات دوستان هیات امنا از آقای دکتر شیبانی پرسیدند که آقا این چند میلیاردی که شما خرج کردی از کجا اومد پولش؟ ایشون گفت شما به اینکه پولش از کجا اومد کاری نداشته باشید من تعهد کردم بساز و ساختم و تحویل میدم. و این کار هم اتفاق افتاد و الحمدلله اون مجموعه مجموعه ی بسیار با خیر و برکتی شد که به طور متوسط هر ساله 150 هزار نفر از سطح کشور از اون مجموعه استفاده می کنند برای اسکان و استراحت و تغذیه و عموم کسانی هم که میایند اونجا براشون دوره های مهدوی حداقل 2 ساعته 4 ساعته تا یک روزه گذاشته می شه...

1:40:00